

# برابره‌های عربی برخی از مثل‌های فارسی کتاب امثال و حکم دهخدا

سهیل یاری گل‌دژه

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

علامه دهخدا در کتاب پُربرگ و بار امثال و حکم هرگاه که برای امثال فارسی، معادل و مشابهی در عربی یافته به آن اشاره کرده است، اما در مواقعی به معادل‌های عربی دیگر امثال و حکم فارسی اشاره‌ای نکرده‌اند. شاید یک علت آن امر این بوده که ایشان در تألیف امثال و حکم قصد تفحص و واریسی منابع امثال و حکم عربی را نداشته و تنها به برخی از کتاب‌های امثال چون مجمع الأمثال میدانی نیشابوری توجه داشته است. در این یادداشت به معادل‌های تعدادی از امثال موجود در کتاب امثال و حکم استاد دهخدا اشاره می‌شود تا میزان اشتراکات این دو ادب در امثال و حکم بیشتر نمایان شود. البته ممکن است این تشابهات حاصل أخذ ملتی از ملت و ادب دیگری جزء امثال مشترکی باشد که این دو ملت از یکدیگر نگرفته باشند. سخن درباره تأثیر و تأثرها در حوصله این مجال نیست. در اینجا تنها تعدادی از این امثال و حکم مشابه آورده می‌شود:

۱. آب زیر گاه (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۱۱)

برابر عربی:

هو ماء تحت التین: او آب زیر گاه است (خوارزمی، ۱۴۲۴: ۲۲۸)

به درستی برنگارنده مشخص نیست که این مثل مشترک است یا اینکه از کدام زبان به زبان دیگری وارد شده است. دست‌کم در کهن‌ترین متون ادبی فارسی ذری چون شاهنامه فردوسی مثل مذکور دیده می‌شود.

۲. «آنچه در دیگ است به گمچه می‌آید» (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۵۰)

برابر عربی:

المغرفة تخرج ما في القدر: کفگیر آنچه را که در دیگ است بیرون می‌آورد. (خوارزمی، ۱۴۲۴: ۳۱۵)

۳. آن شنیدی که وقت زادن تو همه خندان بُدند و تو گریان

تو چنان زی که بعد مُردن تو همه گریان بُوند و تو خندان

(دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۵۷)

برابر عربی:

وَلَدَتِكَ أُمَّكَ يَا ابْنَ آدَمَ بَاكِيًا وَالتَّائِسَ حَوْلَكَ يَضْحَكُونَ سُورًا

فَأَحْزَنَ عَلَيَّ عَمَلٌ تَكُونُ إِذَا بَكَوْا فِي يَوْمِ مَوْتِكَ ضَاحِكًا مَسْرُورًا (ثعالبی، بی تا: ۲۷۱)

کلیدواژه:

برابره‌های عربی، مثل‌های فارسی، کتاب امثال و حکم، دهخدا، امثال فارسی، نقد کتاب.

بیوس (مسکویه، ۱۳۷۷: ۱۸۵)

۷. از دل پرورد هرآنکه از دیده رَوَد (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۱۶۹).

وَمَنْ غَابَ مِنْ الْعَيْنِ  
فَقَدْ غَابَ مِنَ الْقَلْبِ

(ابونواس، ۱۴۲۴: ج ۵/۲۶۷)

۸. اگر دعای طفلان را اثر بودی یک معلم زنده نماندی

(دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۲۱۴)

بسنجید با:

نظر مدینی إلى قوم یستسقون و معهم صبیان فقال: ما هؤلاء؟ فقیل: نرجو بهم الإجابة، فقال: «لو كان دأؤهم مجاباً لما بقى فی الأرض مُعلِّمٌ». (توحیدی، ۱۴۰۸: ج ۵/۴۲)

«نگریست مرد مدینی به مردانی که آب باران می‌خواستند و با ایشان بودند بچگان. بگفت: کیستند اینها؟ بگفتند: امید می‌داریم ما بر ایشان مستجاب شدن دعا. بگفت: اگر بود دعاء ایشان اجابت گردد، نماندی بر زمین آموزنده‌ای.» (خوارزمی، ۱۳۸۲: ۱۴۰)

۹. باد پیمودن (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۳۵۱)

برابر عربی:

فلانٌ یکیلُ عَلینا الریح: فلانی برای ما باد وزن می‌کند یا می‌پیماید (ثعالبی، ۲۰۰۳: ۱۵۳).

۱۰. «این مرده به این شیون نمی‌ارزد» (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۳۳۷)

برابر عربی:

هَذَا الْمَيِّتُ لَا يُسَاوِي الْبُكَاءَ: این مرده به [این شیون و] گریستن نمی‌ارزد. (خوارزمی، ۱۴۲۴: ۱۹۵؛ میدانی، ۱۳۶۶: ج ۲/۳۷۴)

۱۱. باد در انبان داشتن (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۳۵۱)

برابر عربی:

هو يَمَلَأُ كَيْسَهُ بِالرِّيحِ: او کیسه‌اش را پُر باد می‌کند. (خوارزمی، ۱۴۲۴: ۲۱۸)

۱۲. به دست کسان مار باید گرفت (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۴۰۴)

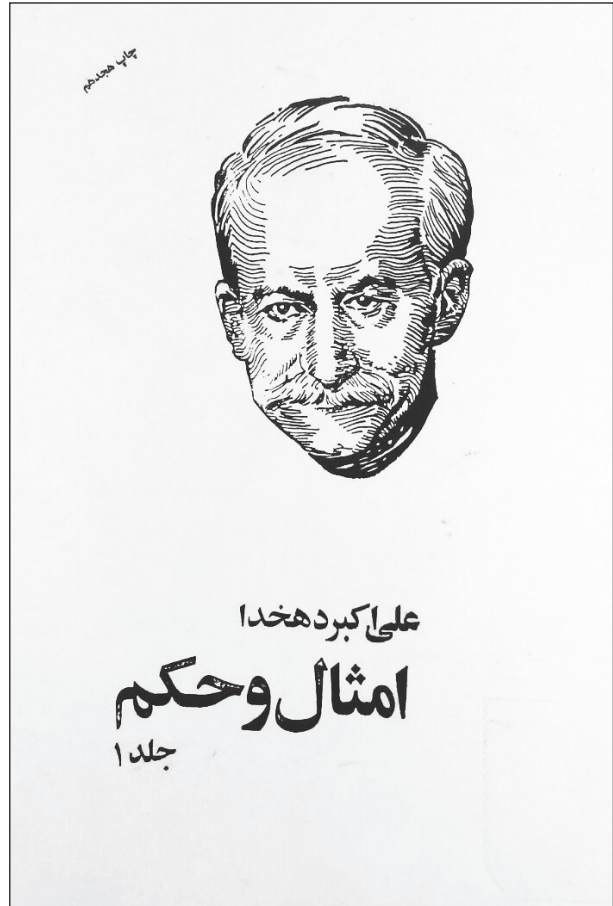
برابر عربی:

يَصِيدُ الْحَيَّةَ بِيدِ غَيْرِهِ: با دست دیگران مار می‌گیرد. (آبی، ۱۴۲۴: ج ۶/۲۳۴)

۱۳. بزگراز سرچشمه آب می‌خورد. (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۴۳۳)

برابر عربی:

العنزَةُ الْجَرَبَانَةُ مَا تَشْرَبُ إِلَّا مِنْ رَأْسِ الْعَيْنِ: بزگرتنها از سرچشمه آب می‌نوشد. (تیمور باشا، ۱۳۷۵: ق. ۳۵۶)



## علی کبر دهخدا امثال و حکم جلد ۱

مادرت تورا در حالی زاد که تو گریان بودی و مردمان در پیرامون تو خندان بودند. در پی آن باش که در روز مرگت هنگامی که آنان می‌گیرند تو خندان و شادمان باشی.

۴. زیر اندازش زمین است رواندازش آسمان (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۷۲)

برابر عربی:

ما له غير الأرض وطاءً، و غير السماء غطاءً (خوارزمی، ۱۴۲۴: ۱۴۵)

۵. از این ستون به آن ستون فرج است (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۱۰۳ و همو،

ج ۲/۹۹۹)

برابر عربی:

من ساعة إلى ساعة فرج: از لحظه‌ای تا لحظه‌ای دیگر گشایش و فرجی است. (خوارزمی، ۱۴۲۴: ۱۲۵)

۶. دستی را که نتوان برید باید بوسید (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/۱۰۵)

برابر عربی:

إذا لم تستطع أن تقطع يد عدوك فقتلها: هرگاه که نمی‌توانی دست دشمنت را ببری آن را بوس. (ابن عبد ربّه، ۱۴۰۴: ج ۱/۱۷۸؛ ثعالبی، ۱۴۰۱: ۱۰۵؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ج ۳/۳۷۰). يد لا يمكّنك قطعها قتلها: دستی که توان قطع آن را نداری (خوارزمی، ۱۴۲۴: ۱۲۶). قبل يد عدوك إذا لم يمكّنك قطعها: اگر بریدن دست دشمنت برایت میسر نشد آن را

چنین هم نقل شده است: **لَيْسَ مَنْ قَالَ: النَّارُ إِحْتَرَقَ فَمُهْ** (توحیدی، ۱۴۰۸: ج ۹/ ۵۵)

۲۲. **هَرَكَةُ كَيْلٍ كُنْدُ كَيْلٍ حُورِدٌ** (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۴/ ۱۹۶۶)  
برابر عربی:

**مَنْ يَعْمَلِ الطَّيْنَ يَأْكُلِ الطَّيْنَ** (ثعالبی، ۲۰۰۳: ۵۹)

#### کتابنامه

- آبی، ابوسعید منصور؛ نشر الدُرِّ فِي الْمُحَاضِرَاتِ؛ مصحح: خالد عبدالغنی محفوظ؛ جلد ۷ (در ۴ مجلد)، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید؛ شرح نهج البلاغة؛ محقق/ مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم؛ ج ۲۰ (در ۱۰ مجلد)، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
- ابن عبد ربه الأندلسی؛ العَقْدُ الْفَرِيدُ؛ مصحح: مفید محمد قمیحة؛ ج ۸، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۴.
- ابن مسکویه؛ الحِکْمَةُ الْخَالِدَةُ؛ تصحیح عبدالرحمان بدوی؛ چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- اهوازی، ابوانواس؛ دیوان؛ تحقیق ایقالد قاغز؛ الجزء الخامس، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۴.
- توحیدی، أبوحنان؛ البصائر و الذخائر؛ محقق: وداد القاضي؛ الطبعة الأولى، دار صادر: بیروت، ۱۴۰۸.
- تیمور باشا، احمد؛ الأمثال العامیة، الطبعة الثانية، مصر: دارالکتاب العربی، ۱۳۷۵ق.
- ثعالبی، أبو منصور؛ التمثیل والمحاضرة؛ محقق: عبدالفتاح محمد الحلو؛ الطبعة الثانية، بیروت: الدار العربیة للکتاب، ۲۰۰۳.
- \_\_\_\_\_، بی تا؛ اللطائف و الطرائف؛ بیروت: دارالمناهل.
- خوارزمی، ابوبکر؛ الأمثال المؤکده؛ تحقیق محمد حسین الاعرجی؛ ابوظبی: مجمع الثقافی، ۱۴۲۴.
- خوارزمی، موفق بن طاهر (مترجم)؛ بدائع الملح (نواهای نمکین)؛ قاسم بن حسین بن محمد الطرائفی الخوارزمی؛ مصحح: مصطفی اولیایی؛ تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲.
- دهخدا، علی اکبر؛ أمثال و حکم، چاپ دوازدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ ربیع الأثرار و نصوص الأخیار؛ تحقیق: عبدالامیر مهنا؛ الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات؛ ۱۴۱۲.
- میدانی نیشابوری، أبو الفضل؛ مجمع الأمثال؛ المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید؛ ج ۲، بیروت: دار المعرفه، ۱۳۷۵.
- \_\_\_\_\_، مجمع الأمثال؛ مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۶۶.

۱۴. «پارسال دوست امسال آشنا» (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/ ۴۹۶)  
برابر عربی:

**كُنَّا أَصْدِقَاءَ فَصِرْنَا مَعَارِفَ: مَا دُوسْتُ بُوْدِيْمَ، [حَالًا] أَشْنَا كُشْتِيْمَ.**  
(ثعالبی، ۱۴۰۱: ۴۰)

۱۵. **تَا تَنُورِ كَرْمٍ اسْتِ نَانَ دَرِيْنِدِ يَا تَا تَنُورِ كَرْمٍ اسْتِ نَانَ تَوَانِ بَسْتِ، يَا بَايْدِ نَانَ بَسْتِ** (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/ ۵۳۰)

برابر عربی:

**أَلْرِيْقُ مَا دَامَ التَّنُورُ حَارًا: مَا دَامِي كِه تَنُورِ دَاغِ اسْتِ [نَانَ رَا] بَجَسْبَانَ.**  
(زمخشری، ۱۴۱۲: ج ۳/ ۴۶۸)

۱۶. **پنج انگشت یکی نمی شوند** (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۱/ ۵۲۲)

برابر عربی:

**وَلَا تَسْتَوِي فِي الرَّاحَتَيْنِ الْأَصَابِعُ: بَرْدُ وَ كَفِ دَسْتِ انْكَشْتِهَا بَرَابِرِ نِيَسْتَنْدِ.** (خوارزمی، ۱۴۲۴: ۳۹۴، ثعالبی، ۲۰۰۳: ۵۴)

۱۷. **شعله را ز انبوهی هیزم چه غم / کی رَمَدِ قِصَابِ ز انبوهی غَمِّ**  
(دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۲/ ۱۰۲۴)

برابر عربی:

**الْقِصَابُ لَا تَهْوَلُهُ كَثْرَةُ الْغَنَمِ: فِرَاوَانِي كُوسْفَنْدَهَا قِصَابِ رَا نَمِي تَرَسَانْدِ.**  
(ثعالبی، ۲۰۰۳: ۹۷؛ میدانی نیشابوری، ۱۳۶۷: ج ۲/ ۷۶)

۱۸. **غوره نشده مویز شده است** (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۲/ ۱۱۳۰)

برابر عربی:

**فَلَانٌ يَتَزَيَّبُ وَ هُوَ حِصْرِمٌ: فِرَانِي غُورِه نَشْدِه مَوِيْزِ كُشْتِه اسْتِ.**  
(ثعالبی، ۲۰۰۳: ۴۰). مثل مذکور به این صورت هم نقل شده است: **قَدْ زَيَّبَ قَبْلَ أَنْ يَحْصِرَمَ** (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲/ ۴)؛ **تَزَيَّبَتْ حِصْرِمًا** (زمخشری، ۱۴۱۲: ج ۳/ ۶۱).

۱۹. **کیسه دوختن، کیسه برای چیزی (یا) برای کسیه دوختن** (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۳/ ۱۲۵۸)

برابر عربی:

**فَلَانٌ قَدْ خَاظَ عَلَيْنَا كَيْسًا: فِرَانِي بَرَايِ مَا كَسِيَه اِي دُوخْتِه اسْتِ (خوارزمی، ۱۴۲۴: ۲۲۰؛ میدانی، ۱۳۷۵: ج ۱/ ۲۷۲).**

۲۰. **مثل خربریخ ماندن** (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۳/ ۱۴۲۹)

برابر عربی:

**كَالْحِمَارِ عَلَيَّ الْجَمْدِ: هَمْچُونِ خَرَبْرِیخِ.** (ثعالبی، ۲۰۰۳: ۲۰۷)

۲۱. «هرکه آتش گوید دهانش نسوزد» (دهخدا، ۱۳۸۳: ج ۴/ ۱۹۴۴).

برابر عربی:

**لَيْسَ كُلُّ مَنْ قَالَ: نَارٌ، إِحْتَرَقَ لِسَانُهُ: چِنِينِ نِيَسْتِ كِه هَرَكْسِ كِه بَكُوِيْدِ: آتَشِ، زِبَانِ (يَا دِهَانَش) بِسُوْزْدِ.** (آبی، ۱۴۲۴: ج ۶/ ۳۲۶). مثل مذکور این